

نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۹، شماره پیاپی ۳۳، تابستان ۱۳۹۷

شاپا چاپی: ۵۲۲۹-۲۲۲۸ - شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

<http://jupm.miau.ac.ir>

تحلیلی بر عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مرکز قدیمی شهر سبزوار

عبدالهادی دانش‌پور: دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

فاطمه صفار سبزواری: دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰

صص ۱۳۶-۱۲۵

دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۱

چکیده

حس تعلق به مکان، موجب تبدیل فضا به مکانی با ویژگی‌های حسی و رفتاری خاص برای افراد می‌شود و توجه به تقویت آن خصوصاً در مراکز قدیمی و بافت تاریخی شهرها از اساسی‌ترین دغدغه‌های دانش طراحی شهری محسوب می‌گردد. مطالعات بسیاری بر ضرورت توجه به نقش عناصر کالبدی در شکل‌گیری و تداوم رضایتمندی از مکان، هویت فردی و حس تعلق اشاره می‌نمایند. از این رو هدف پژوهش حاضر استخراج هنجارها و سنجه‌های کالبدی جهت ایجاد و ارتقاء حس تعلق و سنجش این هنجارها و سنجه‌ها در خیابان بیهق شهر سبزوار است. این پژوهش از نوع کاربردی بوده، رویکردی ترکیبی دارد. ابتدا با استفاده از مطالعه و بررسی متون نظری موجود، عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان استخراج گردیده و در قالب هنجارها و سنجه‌هایی دسته بندی شده اند که روش مورد استفاده در این قسمت از نوع کیفی است. در گام بعدی با هدف سنجش وضعیت موجود و بررسی هنجارها و سنجه‌های کالبدی مؤثر بر حس تعلق حاصل از مبانی نظری در نمونه‌ی مورد مطالعه از تکمیل پرسشنامه استفاده شده و اطلاعات حاصل از طریق بررسی رابطه‌ی همبستگی (همبستگی پیرسون) بین متغیرهای مستقل و وابسته‌ی تعریف شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و به روش کمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهد سه هنجار «تنوع و جذابیت»، «شخصیت کالبدی منحصر بفرد» و «دید و منظر» نسبت به سایر عوامل کالبدی همبستگی بیشتری با حس تعلق به مکان مورد مطالعه دارند و «انعطاف پذیری» از میزان همبستگی پایین‌تری نسبت به سایر عوامل برخوردار است. همچنین سنجه‌های «وجود تسهیلات رفاهی»، «وجود پارکینگ کافی»، «وجود نظم و هماهنگی»، «رعایت تناسبات بصری در فضا» و «ایمنی عابر پیاده» به ترتیب کمترین مطلوبیت را دارند که لازم است به منظور افزایش حس تعلق به مکان، در بازطراحی فضا مورد توجه بیشتری قرار گیرند.

واژگان کلیدی: حس تعلق به مکان، عوامل کالبدی، مراکز قدیمی شهرها، خیابان بیهق سبزوار.

بیان مسأله:

رشد فزاینده‌ی ابعاد شهرنشینی در طی دهه‌های اخیر موجب شده است که علاوه بر گسترش مشکلات اکولوژی محیطی و اجتماعی، شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های تازه‌ای چون کم‌رنگ شدن هویت و حس تعلق به مکان نیز مواجه شود. در این میان، مراکز قدیمی شهرها و بافت‌های تاریخی بیشتر مورد تهدید قرار دارند. هر چند به نظر می‌رسد که ارتقاء ابعاد اجتماعی در جهت افزایش حس تعلق شهروندان نقش بیشتری دارند اما مطالعات بسیاری نیز بر نقش عوامل کالبدی در ایجاد و ارتقاء حس تعلق به مکان تأکید می‌کنند. فرسودگی بناهای تاریخی و مراکز قدیمی شهرها و عدم اختصاص بودجه کافی برای مرمت آن‌ها، توسعه‌ی ساخت و سازهای جدید در مراکز قدیمی و بافت‌های تاریخی بدون توجه به هویت و زمینه‌ی آن‌ها و از طرف دیگر کمبود تسهیلات مناسب و عواملی از این قبیل، منجر به دور افتادن مراکز قدیمی شهرها از روند رو به رشد سایر قسمت‌های شهر شده است که این موضوع سبب کاهش حس تعلق افراد خصوصاً جوان‌ترها به این مراکز قدیمی شده، در صورت ادامه یافتن این روند، تبدیل شدن این مناطق به بافت‌هایی ناکارآمد، تهدیدی جدی است. بنابراین به نظر می‌رسد، علاوه بر توجه به برقراری جریان قوی و پررنگ تعاملات اجتماعی در مراکز قدیمی و بافت‌های تاریخی شهرها، توجه به کالبد مراکز قدیمی و بافت‌های تاریخی نیز جهت ارتقاء حس تعلق افراد ضروری است. خلأ تحقیقاتی موجود در این زمینه، عدم تعریف و ارائه هنجارها و سنجه‌ها یا به طور کلی عوامل کالبدی مؤثر بر ایجاد و ارتقاء حس تعلق به مکان است که این موضوع، پایگاه چالش‌های طراحانه‌ای است که می‌باید مورد توجه قرار گیرد تا بتوان با بهره‌گیری از نظرات اندیشمندان، الگوی مناسبی در جهت تحقق اهداف مورد نظر ارائه داد.

خیابان بیهق، قدیمی‌ترین خیابان شهر سبزوار است که درون بافت تاریخی شهر قرار دارد و بناهای تاریخی بسیاری در اطراف این خیابان وجود دارد. وجود این بناها و بافت تاریخی می‌تواند در ایجاد و تقویت حس تعلق در میان افراد خصوصاً نسل جوان تأثیرگذار باشد؛ اما عدم توجه و رسیدگی کافی و فرسودگی کالبدی بافت از یک طرف و توسعه و ساخت و سازهای جدید بدون توجه به زمینه و هویت خیابان بیهق از طرف دیگر، سبب شده است که این قابلیت به منصفی ظهور نرسد. حس تعلق نسبت به خیابان بیهق در میان شهروندان سبزواری خصوصاً افراد مسن‌تر به سبب وجود تعاملات اجتماعی پررنگ و خاطرات جمعی بسیار، از میزان بالایی برخوردار است؛ اما شرایط نامناسب کالبدی در این خیابان تهدیدی در جهت کاهش حس تعلق افراد خصوصاً نسل جوان به این مکان قدیمی به شمار می‌رود. بنابراین لزوم شناسایی عوامل کالبدی مؤثر بر حفظ و ارتقاء حس تعلق به مکان و تهیه طرحی مبتنی بر کیفیت بخشی به این مکان ضروری به نظر می‌رسد. از این رو هدف پژوهش حاضر، استخراج هنجارها و سنجه‌های کالبدی جهت ایجاد و ارتقاء حس تعلق به مکان و ارزیابی و سنجش آن‌ها در خیابان بیهق سبزوار است. جهت دست‌یابی به هدف فوق، پاسخگویی به سؤالات زیر مورد نظر است:

- مکان‌ها با چه ویژگی‌های خاص کالبدی می‌توانند در آفرینش حس تعلق موفق‌تر باشند؟
- کدام یک از هنجارهای کالبدی در ایجاد و ارتقاء حس تعلق به مکان در خیابان بیهق مؤثرترند؟

پیشینه و مبانی نظری پژوهش:

مفاهیم حس مکان^۱ و حس تعلق به مکان مفاهیم پیچیده و چندوجهی هستند که شناخت ابعاد و ویژگی‌های دقیق آن‌ها مستلزم مطالعات بسیار است. پژوهش‌های بسیاری در زمینه‌ی روشن کردن مفاهیم حس مکان و حس تعلق به مکان انجام

1. Identity

2. Place Attachment

3. Physical Factors

4. Sense of Place

گرفته که از میان پژوهشگران فارسی زبان می توان به محمدصادق فلاحت اشاره نمود که طی مقاله‌ی مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، به بیان ابعاد مختلف حس مکان پرداخته است. از دیگر فارسی زبان در این زمینه می توان کاشی و بنیادی (۱۳۹۲) را نام برد که به تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن پرداخته‌اند. در این میان پژوهشگرانی نیز با تمرکز بر روی حس تعلق به مکان ابعاد مختلف این مفهوم را روشن ساخته‌اند که از آن میان می توان به جوان فروزنده و مطلبی (۱۳۹۰) اشاره کرد.

به جهت گستردگی، پیچیدگی و چند وجهی بودن مفهوم حس تعلق به مکان، هر کدام از محققان سعی در روشن کردن قسمتی از این مفهوم داشته‌اند. در این میان به نظر می رسد، شناسایی دقیق بعد کالبدی حس تعلق به مکان و عوامل کالبدی مؤثر بر حفظ و ارتقاء حس تعلق به مکان، مغفول واقع شده است و در مقابل تأکید بیشتری بر روی دیگر ابعاد آن، از جمله بعد اجتماعی و فردی حس تعلق به مکان صورت گرفته است. این در حالی است که مطالعات بسیاری بر ضرورت توجه به عناصر کالبدی در محیط انسانی و نقش آن در شکل‌گیری و تداوم حس تعلق اشاره می نماید. چنانکه ریجر و لاوارکاس^۱ در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره کرده، از آن با عنوان ریشه‌داری یاد می کنند که بر این اساس، فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معنای تعلق، به خاطر می سپارد. همچنین مطالعات استدمن^۲ که پیرامون نقش بعد کالبدی مکان بر دل‌بستگی به مکان، انجام شده است، به نقش مستقیم آن در رضایت‌مندی و نقش غیرمستقیم بر دل‌بستگی به مکان اشاره دارد (Stedman, 2003: 682). از این رو پژوهش پیش رو تلاش می کند خلأ تحقیقاتی موجود در این زمینه را پر نماید و به شناسایی دقیق عوامل کالبدی مؤثر در ایجاد، حفظ و ارتقاء حس تعلق به مکان بپردازد و آنها را در خیابان بیهق سبزوار مورد ارزیابی و آزمون قرار دهد.

حس تعلق به مکان: واژه تعلق به معنی پیوستگی، دوستی، محبت، دل‌بستگی و همچنین قربت، خویشی، انتساب و عهده و تصرف، مالکیت و نهایتاً تعلق خاطر و دل‌بستگی آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۷۵۳). در فرهنگ معین نیز در توضیح واژه‌ی تعلق آمده است: آویخته شدن، درآویختن و دل‌بستگی داشتن (معین، ۱۳۸۴: ۳۶۷). حس مکان عموماً با حس تعلق همراه است و با حس عاطفی دل‌بستگی به یک مکان عجین می شود. مکان می تواند حس ریشه‌دار بودن را تقویت کند و حس هویت بخشی را با محل خاصی عجین سازد. ریشه‌دار بودن غالباً با حس ناخودآگاه مکان همراه است. چنین حسی طبیعی‌ترین، بنیادی‌ترین و خودجوش‌ترین اتصال بین انسان و مکان است. مردم به حس هویت و تعلق به مکان و یا قلمروی خاص نیاز دارند. از طریق مکان و در طول زمان، تجارب مشترک مهم و اساسی بین مردم ایجاد می شود. افراد نیازمندند که حس تعلق به یک موجودیت جمعی و یا یک مکان را داشته باشند؛ همچنین به یک هویت شخصی نیازمندند که از طریق جدایی مکانی، داشتن خصوصیات متفاوت و قابل تشخیص و یا حضور و ورود در یک محل خاص حاصل می شود. سیاست‌های طراحی می تواند این موضوعات را مورد تأکید قرار دهد (کرمونا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۹-۱۹۰). حس تعلق به مکان برخاسته از فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان-مکان و انسان-انسان در یک مکان خاص است (Altman & Low, 1992: 9) و با تأثیر متقابل احساسات، دانش، باورها و رفتارها، با مکانی خاص سر و کار دارد (Proshansky et al, 1983: 155). علاوه بر این بین میزان حس تعلق فرد به مکان و توجه او به آن، ارتباطی مستقیم وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش حس تعلق فرد به یک مکان، میزان توجه و مراقبت فرد از آن نیز افزایش می یابد (Mesch & Manor, 1998: 509).

¹ Riger & Lavrakas

² Stedman

عوامل متعددی در ایجاد و ارتقاء حس تعلق به مکان مؤثرند که می‌توان آن‌ها را در قالب عناوین زیر دسته بندی نمود: عوامل کالبدی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل فردی، خاطرات و تجارب، احساس رضایت از مکان، عوامل فعالیتی و تعاملی، عامل زمان و مشارکت در طراحی مکان (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۲). مطالعات بسیاری بر ضرورت توجه به عناصر کالبدی در محیط انسانی و نقش آن در شکل‌گیری و تداوم حس تعلق اشاره می‌نمایند.

نظرات اندیشمندان در رابطه با عوامل کالبدی مؤثر در ایجاد حس تعلق به مکان:

رد پای حس تعلق و عوامل کالبدی مترتب بر آن را می‌توان در میان متون نظری به جا مانده از اندیشمندان حوزه‌ی شهرسازی و علوم محیطی جستجو نمود که برخی مستقیماً و برخی به صورت غیر مستقیم به آن اشاره کرده‌اند. نظریات اندیشمندان در رابطه با عوامل کالبدی مؤثر بر ایجاد و ارتقاء حس تعلق به مکان در جدول ۱ جمع بندی شده است.

جدول ۱- نظرات اندیشمندان در رابطه با عوامل کالبدی مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان

ردیف	اندیشمندان	سال	تعاریف	مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر حس تعلق
۱	کوین لینچ ^۱	۱۹۶۰	فضا باید هویت قابل ادراکی داشته و قابل شناسایی و به یادماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کند. این نوع حس مکان می‌تواند احساس تعلق نیز به همراه داشته باشد (لینچ، ۱۳۷۶، ۱۹۵-۱۹۰).	تمایز بودن، سادگی فرم، استمرار، تسلط و غلبه داشتن، روشنی نقاط تقاطع (مفاصل)، تنوعی که جهت خاصی را معلوم دارد، عرصه‌ی دید، آگاهی بر حرکت، عوامل گروهی زمانی، نام‌ها و معانی (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۹۲-۱۹۸)
۲	نوربرگ شولتز ^۲	۱۹۶۷-۲۰۰۰	برای اینکه فرد به مکان مشخص تعلق راستین داشته باشد باید دو عمل جهت‌یابی و این‌همان‌سازی به درستی توسعه یابد (شولتز، ۱۳۸۸: ۴۰-۳۴).	محصور بودن، مرز و قلمرو، مرکزیت، تنوع در عین وحدت، تراکم، تداوم، مقیاس انسانی (شولتز، ۱۳۸۲)
۳	ایروین آلمن ^۳	۱۹۷۵-۱۹۹۲	دل بستگی به مکان نیروی گرانش مؤثر میان مردم و مکان است.	انعطاف‌پذیری، مقیاس، تعیین قلمرو و اختصاصی بودن و قابل دسترس بودن (Altman & Low, 1992, 5)
۴	ادوارد رلف ^۴	۱۹۷۶	یک درک و فهم عمیق از موقعیت و جایگاه خودمان در برابر دیگر چیزها و داشتن یک پیوستگی پرمعنا روحی و روانی به جایی خاص (رلف، ۱۳۸۹: ۵۰-۵۱).	مرز و قلمرو، عناصر تحریک کننده (محرک بینایی، شنوایی، بویایی، حرکت و لامسه) (رلف به نقل از کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲: ۴۸)
۵	راپاپورت ^۵	۱۹۷۷-۱۹۸۲		نمادها و سمبل‌های فرهنگی - اجتماعی کالبدی، مبلمان شهری (راپاپورت، ۱۳۹۲: ۱۱۱)
۶	فريتز استیل ^۶	۱۹۸۱	حس مکان هر محیط بستگی به نحوه‌ی ارتباط انسان با آن محیط دارد.	اندازه‌ی مکان، درجه‌ی محصور بودن، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا، تنوع بصری، هویت، امنیت، سرزندگی (استیل به نقل از کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲: ۴۸)
۷	اریکا اشپیگل ^۷	۱۹۸۴	حس توطن می‌تواند موضوع حس تعلق را بهتر توضیح دهد.	انعطاف‌پذیری، وحدت در فضا، تعیین مرز و قلمرو مشخص (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۴۳۴-۴۱۶)
۸	سای پامیر ^۸	۱۹۸۸	ارتقا و بهبود قلمرو همگانی به طور قابل توجهی بر تصورات ذهنی و دیدگاه‌های مردم نسبت به هسته مرکزی شهر، تأثیر می‌گذارد (پامیر، ۱۳۹۱: ۲).	آفرینش یک ساختار سازمان دهنده، به وجود آوردن هویتی برجسته (ممتاز)، ایجاد تنوع و جذابیت، اطمینان از تداوم بصری و عملکردی، به حداکثر رساندن سهولت استفاده

^۱. Kevin Lynch

^۲. Norberg Schultz

^۳. Irwin Altman

^۴. Edward Relph

^۵. Rappoport

^۶. Fritz Steele

^۷. Erika Spiegel

^۸. Cyril B. Paumier

(راحتی)، فراهم نمودن آسایش و کیفیت بالا (پامیر، ۱۳۹۱: ۱۰۹-۸۱)				
منظر شهری، چشم انداز، نفوذپذیری، شکل ساخت و مبلمان شهری (کرمونا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۹۳)	۱۹۹۱	جان پانتر ^۱	۹	
عناصر طبیعی	۱۹۹۸	رابرت رایان ^۲	۱۰	وجود تعامل محیطی فعال یکی از فاکتورهای مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری حس تعلق است (Rayan, 1998) به نقل از جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۰).
تسهیلات، تناسب مکان با عملکرد و زمینه، پایداری، مشخصات بصری (Bonaiuto, 2003)	۲۰۰۲	مارینو بونیتو ^۳	۱۱	حس تعلق به مکان، رابطه‌ی شناختی و رفتاری مثبتی است که افراد در طول زمان با محیط فیزیکی و اجتماعی خود برقرار می‌کنند.
موقعیت، منظر، شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاهای خصوصی و جمعی (salvesen, 2002)	۲۰۰۲	سالواسن ^۴	۱۲	
اندازه، محصور بودن، تنوع، مقیاس، بومی‌گرایی، استفاده از یک عنصر متمایز (نماد) (Lewicka, 2011, 218)	۲۰۰۸	ماریا لویکا ^۵	۱۳	مکان مفهوم اصلی در روان‌شناسی محیطی است. در مورد میزان ارتباط عاطفی افراد با مکان (حس تعلق به مکان، هویت مکان، حس مکان و ...) اختلاف نظر وجود دارد و روابط بین این مفاهیم به درستی تبیین نشده است (Lewicka, 2008: 211).

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۵.

هنجارها و سنجه‌های کالبدی حس تعلق به مکان:

پس از بررسی و تحلیل متون نظری موجود، عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان استخراج شده، در قالب هنجارها و سنجه‌هایی دسته بندی گردیده و در جدول ۲ ارائه شده است. در بخش بعدی پژوهش، هنجارها و سنجه‌های به دست آمده در خیابان بیهق سبزوار مورد ارزیابی و آزمون قرار گرفتند تا میزان تأثیر هر کدام بر حس تعلق به مکان در نمونه‌ی مورد مطالعه مشخص گردد.

مواد و روش تحقیق:

ماهیت پژوهش پیش رو کاربردی و رویکرد مورد استفاده از نوع ترکیبی (آمیخته) می‌باشد. برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق، در گام اول، با استفاده از مطالعه و بررسی متون نظری موجود، عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان استخراج گردیده و در قالب هنجارها و سنجه‌هایی دسته بندی شده‌اند که روش مورد استفاده در این قسمت از نوع کیفی است. در گام بعدی با هدف سنجش وضعیت موجود خیابان بیهق سبزوار و بررسی هنجارها و سنجه‌های کالبدی مؤثر بر حس تعلق حاصل از مبانی نظری در آن، از روش تکمیل پرسش‌نامه استفاده شده و اطلاعات حاصل از طریق بررسی رابطه‌ی همبستگی (همبستگی پیرسون) بین متغیرهای مستقل و وابسته‌ی تعریف شده، در قالب جدول‌ها و نمودارهای ستونی و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. بنابراین روش مورد استفاده در این قسمت از نوع کمی است.

¹. John Punter

². Robert Rayan

³. Marino Bonaiuto

⁴. Salvesen

⁵. Maria Lewicka

جدول ۲- هنجارها و سنجه‌های کالبدی حس تعلق به مکان

سنجه	هنجار
توجه به ساختمان‌های تاریخی موجود/ مشخص بودن مرز و قلمرو فضا/ تداوم مصالح، رنگ و بافت در عناصر کالبدی کف و بدنه‌ها داخل فضا و در تضاد با محیط پیرامون/ استفاده از شکل و فرم منحصر بفرد/ وجود نشانه‌ها/ استفاده از هنرهای همگانی	شخصیت کالبدی منحصر به فرد (تمتایز بودن)
رعایت الگوی مناسب خیابان‌ها و بلوک‌ها/ رعایت سلسله مراتب خیابان‌ها/ رعایت مقیاس انسانی در فضا/ رعایت تناسب بصری در فضا/ تعیین عرصه‌ی فضا/ محصور بودن متناسب با فضا/ شناسایی نقاط کانونی سنجه و وجود ارتباط‌های مناسب بین آنها/ تسلسل مسیرهای حرکت و نقاط مکث/ سیرکولاسیون مناسب در فضا	سازمان و ساختار فضایی و شکل متناسب فضا
هماهنگی بافت جدید با بافت موجود از نظر کاربری و فرم کالبدی/ توجه به ساختمان‌های تاریخی موجود/ توجه به اقلیم خاص هر شهر در طراحی و ساخت فضا/ استفاده از گیاهان بومی/ استفاده از نمادها و سمبل‌های فرهنگی/ اجتماعی کالبدی در طراحی	توجه به زمینه
وجود تسهیلات رفاهی مانند مکان‌های مناسب برای نشستن/ توجه به اقلیم و آب و هوای شهر	
روشنی نقاط تقاطع (مفاصل)/ نورپردازی مناسب فضا در شب/ تعیین سیستم حرکتی پیاده به گونه‌ای که امنیت وی تأمین گردد./ عدم وجود فضاهای خالی و بدون کاربری/ جانمایی و پخش کاربری‌ها به گونه‌ای که فضاهای خلوت و غیرقابل دفاع ایجاد نشود./ مشخص بودن حدود مالکیت خصوصی و عمومی/ پاکیزگی فضا و عدم تجمع آلودگی	راحتی و آسایش تأمین ایمنی و امنیت
تنوع فضایی/ تنوع کالبدی/ وجود محرک‌های حسی مختلف (محرک بینایی، شنوایی، بویایی، حرکت و لامسه)/ تنوع در کاربری اراضی	تنوع و جذابیت
تباین و گوناگونی در سازمان فضایی/ پیش‌آمدگی و خمیدگی، اختلاف سطح/ محدود کردن نشانه‌ها به محل‌های مهم منظر شهری/ رفع اختلالات و ناهنجاری‌های بصری/ توجه به مقیاس منظر خیابان بر حسب عرض‌بر/ فرم ساختمان/ خط ساختمان/ خط آسمان/ نظم و هماهنگی/ دیدهای متمرکز	دید و منظر
وجود راه‌های کافی برای رسیدن به فضا/ رؤیت پذیری از فاصله دور/ عدم وجود موانع دید جهت حفظ نفوذپذیری بصری در فضا/ وضوح اطلاعات/ علامات/ توجه به دسترسی مطلوب عابر پیاده/ کارایی حمل و نقل همگانی/ وجود پارکینگ کافی	نفوذپذیری و دسترسی
انعطاف در کف فضا/ انعطاف در بدنه فضا/ انعطاف در عناصر مستقر در فضا/ پرهیز از اختصاصی کردن فضاها و تفکیک کالبدی	انعطاف پذیری

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۵.

به منظور سنجش میزان حس تعلق کاربران به فضای مورد مطالعه، پرسشنامه‌ای شامل ۹ گویه در قالب طیف لیکرت و بر مبنای مطالعه ویلیامز و وسکراحی گردید. سپس جهت ارزیابی پرسش‌نامه‌ی مذکور، ابتدا ۲۰ نفر از شهروندان در پاسخگویی مشارکت داده شدند که این آزمون اولیه سبب ایجاد تغییراتی به لحاظ ادبیات و نحوه‌ی بیان گویه‌ها شد تا برای مخاطب خواناتر باشد.

همچنین، جهت بررسی عوامل کالبدی حس تعلق به مکان، بر اساس هنجارها و سنجه‌های کالبدی بدست آمده در مبنای نظری پژوهش، پرسشنامه‌ی دیگری با استفاده از سؤالات موجود در تکنیک مکان‌سنجی و نیز با بررسی پرسشنامه‌های موجود در پژوهش‌های مشابه طراحی گردید. در ادامه با انجام آزمایش پایلوت در بین ۲۰ نفر، تغییراتی در پرسشنامه عمومی نیز صورت گرفت و در نهایت پرسشنامه‌ای شامل دو دسته سؤالات شامل «ارزیابی میزان حس تعلق به خیابان بیهق» و «ارزیابی عوامل کالبدی حس تعلق به خیابان بیهق» و در قالب طیف لیکرت جهت پاسخ‌گویی عموم آماده گردید. به منظور استخراج نتایج، گویه‌های مربوط به پرسش‌نامه‌ی «ارزیابی میزان حس تعلق به خیابان بیهق» مجموعاً به عنوان متغیر وابسته (حس تعلق) در نظر گرفته شد و میزان همبستگی و معناداری آن با متغیرهای مستقل (عوامل کالبدی حس تعلق) مورد بررسی قرار گرفت.

در این پژوهش به منظور تحلیل داده‌ها، ابتدا پایایی پرسش‌نامه با محاسبه‌ی آلفای کرونباخ ارزیابی گردید که نتیجه‌ی به دست آمده با میزان ۰/۷۸، نشان دهنده‌ی اعتبار پرسش‌نامه طراحی شده می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش، شهروندان سبزواری بین ۱۴ تا ۸۰ سال در نظر گرفته شد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد ۱۷۹۹۷۱ نفر می‌باشند. جهت تعیین حجم نمونه، از روش کوکران استفاده گردید که بر این اساس تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد و با چهار پرسشنامه‌ی غیرقابل قبول، در نهایت ۳۸۰ پرسش‌نامه استخراج گردید. این مطالعه از طریق حضور گروه سه نفره در ۳ نقطه از تقاطع‌های اصلی خیابان بیهق و طرح پرسش‌نامه با دهمین فرد عابر از مقابل مصاحبه‌کنندگان صورت گرفت. به این ترتیب، گروه‌های متفاوت سنی و جنسی با سطح تحصیلات و مدت اقامت گوناگون مشارکت داده شدند. جدول ۳ مشخصات آماری مشارکت کنندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۳- مشخصات آماری شرکت کنندگان

مشخصات فردی شرکت کنندگان	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	تعداد
سن	۳۵/۸۱	۱۲/۲۳	۱۳	۷۷	۳۸۰
جنس	۱/۴۴	۱/۴۹	-	-	۳۸۰
تحصیلات	۳/۳۶	۱/۰۴	۱	۵	۳۸۰
مدت اقامت	۳۲	۱۳/۲۳	۳	۷۷	۳۸۰

منبع: مطالعات نویسنده‌گان، ۱۳۹۵.

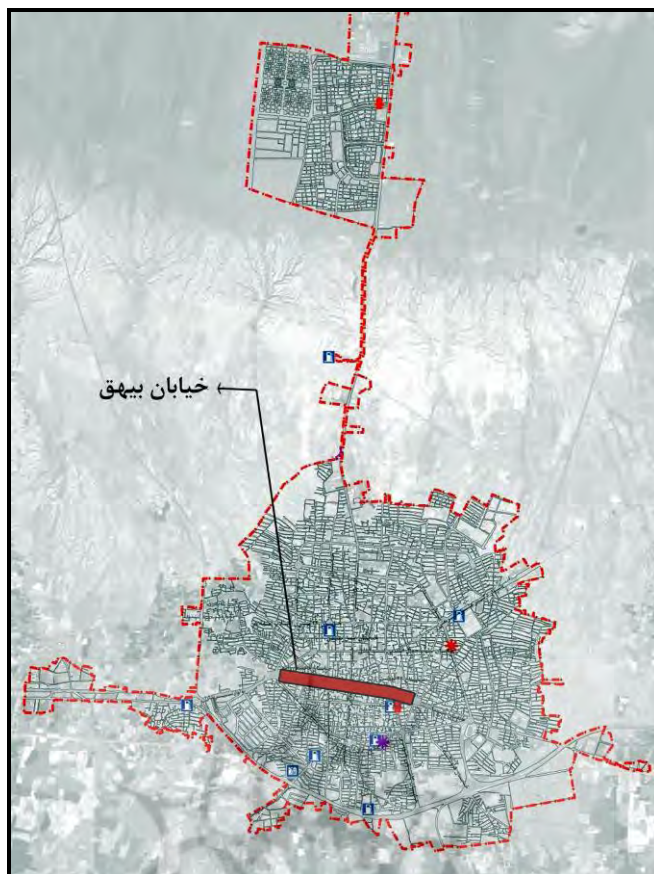
همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مشارکت گروه زنان و مردان در تحقیق تقریباً برابر بوده است. همچنین از نظر وضعیت تحصیلات و میانگین آن نیز طیف بی‌سواد تا دکترا در تحقیق حضور داشته‌اند که این مطالب نشان دهنده‌ی جذابیت فضا برای گروه‌های مختلف از لحاظ جنسیتی و تحصیلاتی می‌باشد.

محدوده و قلمرو پژوهش:

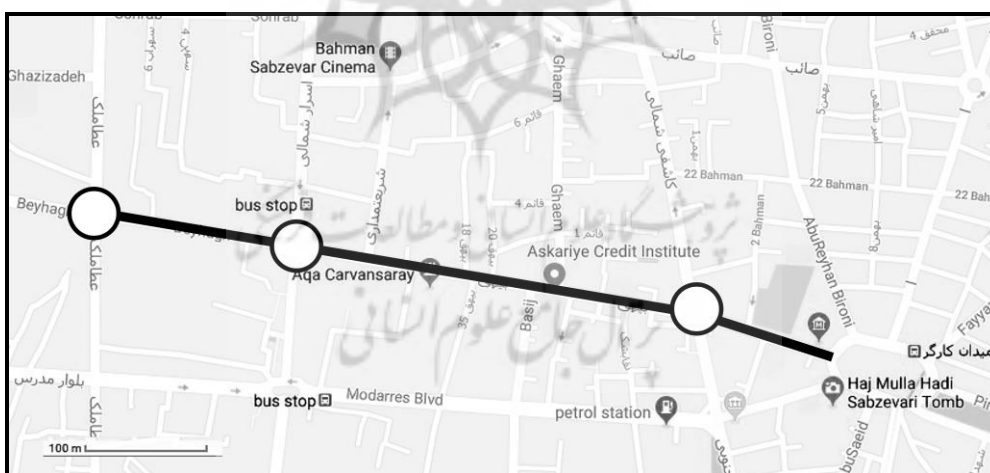
خیابان بیهق به عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه، یکی از قدیمی‌ترین خیابان‌های شهر سبزوار است که در مرکز تاریخی این شهر واقع شده است. این خیابان در حال حاضر به عنوان فضای تجمع شهروندان و دارای جاذبه‌های مختلف خرید، قدم زدن و بسیاری از فعالیت‌های کلیدی شهر به لحاظ تجاری و فرهنگی است که این امر سبب حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در آن گردیده است و در واقع این خیابان، قلب تپنده‌ی شهر محسوب می‌شود. انتخاب این خیابان (حد فاصل میدان کارگر تا فلکه دروازه عراق) به دلیل ظرفیت بالای این مکان در جذب افراد و بر اساس مصاحبه‌ای با شهروندان سبزواری در نقاط مختلف صورت گرفته است. شکل‌های ۱ و ۲ به ترتیب موقعیت قرارگیری خیابان بیهق در شهر سبزوار و موقعیت گروه مصاحبه‌کننده را در خیابان بیهق نمایش می‌دهد.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل:

همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، در این پژوهش به منظور استخراج نتایج، گویه‌های مربوط به پرسش‌نامه‌ی «ارزیابی میزان حس تعلق به خیابان بیهق» مجموعاً به عنوان متغیر وابسته (حس تعلق) در نظر گرفته شده و میزان همبستگی و معناداری آن با متغیرهای مستقل (عوامل کالبدی حس تعلق) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این تحقیق به وسیله‌ی نرم افزار SPSS و با به کارگیری آزمون‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفته است.



شکل ۱- موقعیت خیابان بیهق در شهر سبزوار



شکل ۲- موقعیت استقرار گروه مصاحبه‌کننده در خیابان بیهق سبزوار

در اولین گام از استخراج نتایج، میزان حس تعلق شهروندان سبزواری به خیابان بیهق مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور مجموع گویه‌های مرتبط با میزان حس تعلق در نظر گرفته شد و اعدادی که به آن اختصاص داده شد، بین ۹ تا ۴۵ قرار داشت. نتایج به دست آمده میانگین حس تعلق شهروندان را $33/38$ نشان می‌دهد که گویای میزان حس تعلق بالا نسبت به خیابان بیهق در میان شهروندان است.

در گام بعدی معناداری و همبستگی بین متغیر وابسته حس تعلق و متغیرهای مستقل شامل شخصیت کالبدی منحصر بفرد، توجه به زمینه، راحتی و آسایش، تنوع و جذابیت، دسترسی و نفوذپذیری و انعطاف پذیری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج، حاکی از وجود رابطه معناداری بین تمامی متغیرهای مستقل با حس تعلق می‌باشد که این موضوع نتایج به دست آمده در بخش مبانی نظری پژوهش را تأیید می‌نماید؛ البته میزان همبستگی هر کدام از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته با یکدیگر متفاوت است. جدول (۴) نتایج ارزیابی رابطه متغیرهای مستقل (عوامل کالبدی حس تعلق) با متغیر وابسته حس تعلق را نشان می‌دهد.

جدول ۴- نتایج ارزیابی رابطه عوامل کالبدی حس تعلق با حس تعلق در خیابان بیهق سبزوار

عوامل کالبدی (هنجارها)	میزان همبستگی با حس تعلق به مکان (همبستگی پیرسون)	سطح معناداری
شخصیت کالبدی منحصر به فرد	۰/۵۱۰	۰/۰۰
توجه به زمینه	۰/۲۸۳	۰/۰۰
راحتی و آسایش	۰/۲۸۸	۰/۰۰
تنوع و جذابیت	۰/۶۱۲	۰/۰۰
دسترسی و نفوذپذیری	۰/۲۰۴	۰/۰۰
انعطاف پذیری	۰/۱۶۴	۰/۰۰۱
دید و منظر	۰/۵۰۰	۰/۰۰
سازمان و ساختار فضایی و شکل متناسب فضا	۰/۲۲۲	۰/۰۰

منبع: مطالعات نویسنده‌گان، ۱۳۹۵.

همان‌گونه که جدول (۴) نشان می‌دهد، سه عامل «تنوع و جذابیت»، «شخصیت کالبدی منحصر به فرد» و «دید و منظر» نسبت به سایر عوامل کالبدی، همبستگی بیشتری با حس تعلق به مکان مورد مطالعه دارند؛ بنابراین در ایجاد و ارتقاء حس تعلق به مکان مورد مطالعه مؤثرتر می‌باشند. از طرف دیگر، «انعطاف پذیری» از میزان همبستگی پایین‌تری نسبت به سایر عوامل برخوردار است. در مرحله بعد، به منظور بررسی دقیق‌تر موضوع، میانگین هر کدام از زیرهنجارها (سنجه‌ها) به دست آمد که مهم‌ترین نتایج آن در جدول (۵) آمده است. لازم بذکر است حداقل مقدار تمام سنجه‌ها ۱ و حداکثر آن‌ها ۵ می‌باشد. همان‌گونه که این جدول نشان می‌دهد، سنجه‌های مشخص بودن مرز و قلمرو، دسترسی مناسب عابر پیاده، کارایی حمل و نقل همگانی، وجود نشانه‌ها، وجود محرک‌های بینایی و بویایی، تنوع در کاربری فضا و پاکیزگی فضا به ترتیب بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. از طرف دیگر، وجود تسهیلات رفاهی، وجود پارکینگ کافی، وجود نظم و هماهنگی، رعایت تناسبات بصری در فضا، ایمنی عابر پیاده، نورپردازی مناسب فضا در شب، توجه به اقلیم و آب و هوا و انعطاف در عناصر مستقر در فضا به ترتیب کمترین مطلوبیت را دارند که لازم است به منظور افزایش حس تعلق به مکان، در بازطراحی فضا مورد توجه بیشتری قرار گیرند.

نکته‌ی حائز اهمیت دیگر در مورد سنجه، توجه به ساختمان‌های تاریخی در این خیابان است که میانگین ۲/۸۶ (از بازه‌ی ۱-۵) را کسب نموده است. با توجه به تاریخی بودن خیابان بیهق، سنجه‌ی مذکور، میانگینی پایین‌تر از حد مورد انتظار بدست آورده است که بیانگر عدم توجه کافی به این بناهای باارزش است. با توجه به اینکه خیابان بیهق در مرکز تاریخی شهر سبزوار قرار گرفته است و قریب به ۱۰ بنای تاریخی باارزش در آن وجود دارد، ضروری است در بازطراحی این مکان، توجه ویژه‌ای

به این ساختمان‌ها مبدول گردد تا این عناصر هویت ساز نقش خود را در افزودن حس تداوم تاریخی بازیابند و همچنین در افزایش حس تعلق شهروندان به این مکان مؤثرتر باشند.

جدول ۵- میانگین مهم‌ترین سنجه‌های بررسی شده در خیابان بیهق سبزوار

میانگین	سنجه	میانگین	سنجه
۳/۴۳	تنوع در کاربری اراضی	۴/۵۱	مشخص بودن مرز و قلمرو
۳/۷۰	وجود محرک‌های بینایی	۳/۸۲	وجود نشانه‌ها
۳/۴۷	وجود محرک‌های بویایی	۲/۸۶	توجه به ساختمان‌های تاریخی
۴/۲۴	کارایی حمل و نقل همگانی	۱/۲۷	وجود تسهیلات رفاهی
۴/۲۹	دسترسی مناسب عابر پیاده	۲/۶۰	توجه به اقلیم و آب و هوای شهر
۲/۰۳	وجود پارکینگ کافی	۲/۲۳	ایمنی عابر پیاده
۲/۶۰	انعطاف در عناصر مستقر در فضا	۲/۳۴	نورپردازی مناسب در شب
۲/۱۸	رعایت تناسبات بصری در فضا	۲/۱۵	نظم و هماهنگی
		۳/۲۵	پاکیزگی فضا و عدم تجمع آلودگی

منبع: مطالعات نویسنده‌گان، ۱۳۹۵.

نتیجه‌گیری:

در اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در مورد حس تعلق به مکان و ابعاد مختلف آن، بر تعریف مکان به عنوان محیطی اجتماعی تأکید می‌شود و بنابراین ابعاد اجتماعی حس تعلق به مکان بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در مقابل پژوهش‌های کمتری بر ابعاد کالبدی این حس تمرکز داشته‌اند؛ در حالی که عوامل کالبدی در ایجاد، حفظ و ارتقای حس تعلق به مکان، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. بخش کیفی این پژوهش از طریق بررسی و تحلیل متون نظری موجود به سؤال اول پاسخ داده، نشان می‌دهد که عوامل کالبدی «شخصیت کالبدی منحصر به فرد»، «سازمان و ساختار فضایی و شکل متناسب فضا»، «توجه به زمینه»، «راحتی و آسایش»، «دید و منظر»، «تنوع و جذابیت»، «دسترسی و نفوذپذیری» و «انعطاف پذیری» ارتباط مستقیمی با حس تعلق به مکان دارند و بنابراین مکان‌هایی که از ویژگی‌های کالبدی فوق برخوردار باشند، در ایجاد حس تعلق به مکان موفق‌تر هستند. ارزیابی نمونه‌ی مورد مطالعه نیز پاسخگوی سؤال دوم بوده، این موضوع را بیان می‌کند که شهروندان سبزواری نسبت به خیابان بیهق حس تعلق بالایی دارند و سه هنجار «تنوع و جذابیت»، «شخصیت کالبدی منحصر به فرد» و «دید و منظر» نسبت به سایر عوامل، همبستگی بیشتری با حس تعلق دارند؛ بنابراین در ایجاد، حفظ و ارتقاء حس تعلق به مکان مورد مطالعه مؤثرترین عوامل کالبدی حس تعلق در خیابان بیهق مشخص نمود که سنجه‌های مشخص بودن مرز و قلمرو، دسترسی مناسب عابر پیاده، کارایی حمل و نقل همگانی، وجود نشانه‌ها، وجود محرک‌های بینایی و بویایی، تنوع در کاربری فضا و پاکیزگی فضا از مطلوبیت نسبی برخوردارند. از طرف دیگر، وجود تسهیلات رفاهی، وجود پارکینگ کافی، وجود نظم و هماهنگی، رعایت تناسبات بصری در فضا، ایمنی عابر پیاده، نورپردازی مناسب فضا در شب، توجه به اقلیم و آب و هوا و انعطاف در عناصر مستقر در فضا به ترتیب کمترین مطلوبیت را دارند که ضروری است به منظور تداوم و ارتقاء حس تعلق به مکان، در بازطراحی فضا مورد توجه بیشتری قرار گیرند.

منابع و مأخذ:

۱. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸): سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳)؛ از فضا تا مکان، انتشارات شهیدی، چاپ اول، تهران.

۲. پامیر، سای (۱۳۹۱): آفرینش مرکز شهری سرزنده: اصول طراحی شهری و بازآفرینی، ترجمه‌ی مصطفی بهزادفر و امیر شکیبیا منش، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ دوم، تهران.
۳. جوان فروزنده، علی و مطلبی، قاسم (۱۳۹۰): «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن»، فصلنامه هویت شهر، شماره ۸، تهران، صص ۲۷-۳۷.
۴. دانشپور، سید عبدالهادی و سپهری مقدم، منصور و چرخچیان، مریم (۱۳۸۸): «تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۳۸، تهران، صص ۳۷-۴۸.
۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵): فرهنگ دهخدا، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۶. رایاپورت، اموس (۱۳۹۲): معنی محیط ساخته شده، رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه‌ی فرح حبیب، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ سوم، تهران.
۷. رلف، ادوارد (۱۳۸۹): مکان و بی‌مکانی، ترجمه‌ی محمدرضا نقصان محمدی و دیگران، انتشارات آرمانشهر، چاپ اول، تهران.
۸. شولتز، کریستین نوربرگ (۱۳۸۸): روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمه‌ی محمدرضا شیرازی، نشر رخداد نو، چاپ اول، تهران.
۹. شولتز، کریستین نوربری (۱۳۸۲): مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی، ترجمه‌ی محمود امیری‌اراحمدی، نشر آگه، چاپ دوم، تهران.
۱۰. کاشی، حسین و بنیادی، ناصر (۱۳۹۲): «تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن: نمونه موردی پیاده راه شهرری»، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، شماره ۳، تهران، صص ۴۳-۵۲.
۱۱. کرمونا، متیو و هیت، تیم و تنراک و تیسدل، استیون (۱۳۹۱): مکان‌های عمومی فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری، ترجمه‌ی فریبا قرائی و مهشید شکوهی و زهرا اهری و اسماعیل صالحی، انتشارات دانشگاه هنر، چاپ دوم، تهران.
۱۲. لینچ، کوین (۱۳۸۷): سیمای شهر، ترجمه‌ی منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، تهران.
۱۳. لینچ، کوین (۱۳۷۶): تئوری شکل خوب شهر، ترجمه‌ی حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۱۴. معین، محمد (۱۳۸۴): فرهنگ فارسی یک جلدی دکتر محمد معین، انتشارات راه راشد، چاپ اول، تهران.
15. Altman, I & Low, S. (1992): *Place Attachment, A Conceptual Inquiry, Human Behavior and Environment*, 12, pp: 1-12.
16. Bonaiuto, M & Fornara, F & Bonnes, M. (2003): *Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments, a confirmation study on the city of Rome, Landscape and Urban Planning*, 65, pp: 41-52.
17. Lewicka, M. (2011): *Place attachment, How far have we come in the last 40 years?*, *Journal of Environmental Psychology*, 31(3), pp: 207-230.
18. Lewicka, M. (2008): *Place attachment, place identity, and place memory; Restoring the forgotten city past*, *Journal of Environmental Psychology*, 28, pp: 209-231.
19. Mesch, G.S & Manor, O. (1998): *Social ties, environmental perception, and local attachment*, *Environment and Behavior*, 30, pp: 504-519.
20. Proshansky, H.M & Fabian, A.K & Kaminoff, R. (1983): *Place-identity; physical world socialization of the self*, *Journal of Environmental Psychology*, 3, pp: 57-83.
21. Salvesen, D. (2002): *The Making of Place*, *Research on Place & Space Website*, <http://www.matr.net>, (Retrieved September 4, 2015).
22. Stedman, R.C. (2003): *Is it really just a social construction?: The contribution of the physical environment to sense of place*, *Society & Natural Resources*, 16, pp: 671- 685.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی